

بررسی رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی روی فقر

دکتر احمد اسدزاده*

زینب حیدری داد**

زینب جامه شورانی***

چکیده

کمبود سرمایه یکی از علل اصلی گرفتار آمدن بسیاری از کشورها در چرخه باطل فقر و توسعه‌نیافتگی شناخته شده است اما در کنار آن وجود یا عدم وجود کیفیت نهادی مناسب در این کشورها بر میزان شدت فقر تأثیرگذار است. در مقاله حاضر به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی (قانونمندی) بر کاهش فقر با استفاده از فن اقتصادسنجی پانل تصادفی میان کشورهای حوزه منطقه‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ می‌پردازیم. در مطالعه حاضر از شاخص توسعه انسانی، HDI به عنوان شاخص کاهش فقر استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی مناسب اثر مثبت و مشخصی روی کاهش فقر و افزایش رفاه دارند.

*دانشیار اقتصاد، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

**کارشناس ارشد اقتصاد، گرایش توسعه اقتصادی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

***کارشناس ارشد اقتصاد، گرایش علوم اقتصادی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

نویسنده مسئول: احمد اسدزاده (Email: assadzadeh@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۴

واژه‌های کلیدی: فقر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کیفیت نهادی، پانل تصادفی، شاخص توسعه انسانی.

طبقه‌بندی JEL: P45, I30, O17.

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم و پس از تلاش برای بازسازی ویرانی‌های حاصل از جنگ در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ کشورهای توسعه‌یافته از طریق بانک جهانی بر روی ریشه‌کن کردن فقر در کشورهای در حال توسعه متمرکز شدند. هم‌چنین ریشه‌یابی و شناسایی روش‌های کاهش فقر به‌طور گسترده‌ای مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران قرار گرفت که به دنبال کشف علل و راه‌حل‌های ممکن برای ریشه‌کنی فقر بودند. بانک جهانی فقر را این‌گونه تعریف می‌کند: فقر به معنی گرسنگی، نداشتن سرپناه، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی، نداشتن شغل در آینده‌ای خیلی نزدیک، عدم دسترسی به آب سالم و فقدان آزادی است (ریورا و دیگران^۱ ۲۰۰۹).

در دنیای امروز مشکلاتی از قبیل بیکاری، رشد جمعیت، رکود اقتصادی، فقر و توزیع ناعادلانه درآمد گریبان‌گیر بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته^۲ و کشور-های در حال توسعه هست. در چنین شرایطی اجرای طرح‌های صنعتی، دستیابی به ثبات اقتصادی و ورود به صحنه رقابت جهانی نیازمند ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر از طریق به‌کارگیری فناوری مدرن و سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی است. به عبارتی تنها راه نجات از این مشکلات صنعتی شدن است؛ اما نکته مهم این است که صنعتی شدن نیازمند سرمایه کافی و ارز خارجی است و این مسئله در کشورهای در حال توسعه به‌راحتی تأمین نمی‌شود (نفری، ۱۳۷۲ به نقل از مناف نژاد ۱۳۸۴).

کمبود سرمایه یکی از علل اصلی گرفتار آمدن بسیاری از کشورها در چرخهٔ باطل فقر و توسعه‌نیافتگی شناخته شده است. اگر دولت‌ها نتوانند به گونهٔ مناسب به منابع مالی دسترسی یابند، فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها در راستای رشد و توسعه با دشواری روبه‌رو خواهد شد (جفره، ۱۳۹۰). مهم‌ترین منبع تأمین سرمایه‌گذاری پس‌انداز ملی است اما تقریباً در اکثر کشورهای در حال توسعه، پس‌انداز ملی در سطحی نیست که جوابگوی سرمایه‌گذاری‌های لازم باشد و اگر هم صورت گیرد به تشکیل سرمایه نمی‌انجامد. این کشورها به علت کمبود منابع مالی برای سرمایه‌گذاری به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت خارجی در فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی روی آورده‌اند که بهترین راهکار چیره شدن بر مشکل کمبود سرمایه و بیرون رفتن از چرخهٔ فقر و توسعه‌نیافتگی هست. (رحمانی، ۱۳۷۹).

برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۳ تعاریف متعددی وجود دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه آنکتاد^۴ عبارت از سرمایه‌ای است که متضمن مناسبات بلندمدت و منعکس‌کنندهٔ سود مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی بیرون از موطن سرمایه‌گذار باشد. بنا به تعریف وزارت بازرگانی آمریکا از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، هرگاه یک فرد یا گروهی از اتباع آمریکایی حداقل ده درصد سهام یا حق رأی یک موسسهٔ اقتصادی خارجی را داشته باشند، مالکیت آن‌ها در آن موسسه به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا تلقی می‌شود.

با توجه به اثرات FDI روی فقر و روندی که منجر به ایجاد اشتغال می‌شود، جا دارد تأثیر آن روی فقر مورد بررسی قرار گیرد. در بیشتر مطالعات انجام‌شده اثر FDI روی رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است ولی در مورد ارتباط آن با فقر مطالعهٔ چندانی در داخل کشورمان صورت نگرفته است. ما در این مقاله به بررسی رابطهٔ FDI با کاهش فقر می‌پردازیم. بدین منظور، ابتدا مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور بیان

می‌شود. در ادامه روش‌شناسی تحقیق، روش تخمین در داده‌های تابلویی، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، بررسی استحکام نتایج و در انتها خلاصه‌ای از تحقیق و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

پس از جنگ جهانی دوم دو روند در تکامل FDI در کشورهای در حال توسعه ملاحظه می‌شود، روند اول از پایان جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ هست، در این دوره جریان FDI و سهام در سراسر جهان، به‌خصوص در کشورهای توسعه‌یافته افزایش یافت. طی این دوره جریان FDI عمدتاً با اهداف سیاسی اداره می‌شد تا با انگیزه‌های اقتصادی. روند دوم از دهه ۱۹۹۰ به بعد شروع شد که FDI در کشورهایی که منافع مالی، سوبسیدها و دیگر مشوق‌ها را ارائه می‌نمودند متمرکز گردید.

تأثیر FDI بر توسعه انسانی حداقل دو جنبه اجتماعی و اقتصادی دارد. جنبه اجتماعی آن شامل کاهش فقر و بهبود رفاه می‌شود که از اولویت‌های کشورهای در حال توسعه هست. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در رسیدن به اهداف عمده‌ای از جمله ایجاد شغل، توسعه مهارت‌های محلی و تحریک پیشرفت تکنولوژی کمک کند. در تشریح جنبه اقتصادی آن می‌توان گفت که ادبیات اخیر نشان می‌دهد که FDI ممکن است عامل اصلی برای رشد پایدار در GDP سرانه باشد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رفاه را از دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد (سامنر^۵ ۲۰۰۵). FDI می‌تواند به‌طور مستقیم رفاه را از طریق ایجاد شغل برای کارگران جدید تحت تأثیر قرار دهد، برای کارآمدی این کانال، تعداد شغل‌های ایجادشده بایستی بیشتر از تعداد شغل‌های ازدست‌رفته، در نتیجه فعالیت‌های مربوط به FDI (اخراج به دنبال ترکیب شدن یا ادغام و یا بسته شدن شرکت‌های محلی و غیره) باشد. اثرات غیرمستقیم FDI روی رفاه در سطوح کلان رخ می‌دهد، اگر در یک کشور انتقال خالص درآمد مثبت باشد این احتمال

وجود دارد که FDI سرمایه‌گذاری کل را افزایش دهد. در این حالت رشد اقتصادی افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده ارتباط غیرمستقیم آن با رفاه هست (سامنر ۲۰۰۵).

هم‌چنین FDI از طریق کاستن از اختلالات و کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی، کارایی بنگاه‌های صنعتی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طرفی با زدودن محدودیت‌های ایجادشده در سیستم تجارت خارجی یک کشور، موجبات تشویق صادرات بیشتر را فراهم می‌آورد.

از طرف دیگر، کیفیت نهادی که به‌طور کلی کیفیت قواعد حاکم بر تعاملات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعریف می‌شود، می‌تواند از طریق چندین مکانیسم انتقال بالقوه بر عملکرد اقتصاد تأثیر داشته باشد. کیفیت نهادی به دنبال محدود کردن میزان فساد و ناکارآمدی در بوروکراسی دولتی است چراکه نهادهای خوب و با ثبات موجب تشویق بیشتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده و در نهایت موجب افزایش سطح درآمد متوسط می‌شود (نورث^۶، ۱۹۹۰). حفظ دموکراسی در یک کشور به ثروت آن وابسته است (مارتین لیست^۷، ۱۹۵۹). هم‌چنین دموکراسی به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیر آن بر ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (فنگ^۸، ۱۹۹۷).

در مطالعه حاضر نقش کیفیت نهادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کاهش فقر بررسی می‌شود. فرض بر آن است که کیفیت نهادی از کانال قانونمندی و اجرای قوانین (جلوگیری از تبعیض‌های جنسیتی، سن، نژاد و یا قومیت و...) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کشورهای در حال توسعه به کاهش فقر می‌انجامد.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی رابطه میان FDI و رشد اقتصادی را برای تعیین اثرات توسعه اقتصادی FDI تحلیل کرده‌اند. فرض مشترک این مطالعه‌ها این است که رشد اقتصادی رفاه را

بهبود می‌بخشد، اما بیشتر تحقیقات نشان‌دهنده این است که FDI عاملی برای تحریک رشد اقتصادی هست. تفاوت ایجاد شده در نتایج ناشی از عوامل متعدد روش‌شناختی و مفهومی مانند فقدان مجموعه داده‌های جامع و هماهنگ، تعاریف متفاوت از FDI و تفاوت در روش‌های اقتصادسنجی هست.

مطالعات خارجی

چانگ و کالدرون^۹ (۲۰۰۰) اثر کیفیت نهادی را روی فقر در طول دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از آن است که کارآمدی نهادی موجب کاهش سطح شیوع و شدت فقر می‌شود. شاخص توسعه نهادی در اینجا تحت عنوان شاخص خطر سلب مالکیت و کیفیت بروکراسی در نظر گرفته شده است.

آلفارو^{۱۰} (۲۰۰۳) چگونگی تأثیر FDI را روی رشد در بخش‌های صنعت، خدمات و بخش‌های اصلی با استفاده از داده‌های بین‌کشوری در فاصله سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۹۹ بررسی کرد. یافته‌های او نشان می‌دهد که FDI یک تأثیر دوپهلوی بر روی رشد دارد، اثر آن در بخش‌های اصلی منفی، در تولیدی مثبت و در خدمات نامعلوم است.

کارکوئیچ و لوین^{۱۱} (۲۰۰۵) ارتباط میان FDI و رشد اقتصادی را برای ۷۲ کشور مورد مطالعه قرار داده‌اند، نتایج مطالعه آن‌ها این ادعا را که FDI رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، تأیید نمی‌کند. این یافته‌ها در تضاد با دو مقاله اول ذکر شده است.

چاودری و ماوروتس^{۱۲} (۲۰۰۶) از آزمون یاموتا برای تعیین ارتباط علیت میان FDI و رشد اقتصادی سه کشور عمده از لحاظ جذب FDI (شیلی، مالزی و تایلند) در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۰ استفاده کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در شیلی FDI علت رشد GDP است و نه برعکس، در مالزی و تایلند شواهد قوی نشان می‌دهند که علیت دوطرفه بین رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد.

هانسن و راند^{۱۳} (۲۰۰۶) ارتباط میان FDI و رشد اقتصادی را در ۳۱ کشور توسعه یافته در فاصله سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۰ بررسی کرده‌اند. آن‌ها از مدل خود رگرسیونی برداری دو متغیره برای نرخ FDI و GDP استفاده کرده‌اند و یک علیت قوی میان FDI و GDP را حتی در درازمدت یافته‌اند.

آپرچیس و دیگران^{۱۴} (۲۰۰۸) تأثیر FDI را روی رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های پانلی در بین ۲۷ کشور در حال گذار اروپائی در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که FDI حداقل در کشورهای در حال گذار با درآمد بالا و برنامه‌های خصوصی‌سازی، یک رابطه مثبت و مشخص با رشد اقتصادی دارد.

ریورا و دیگران (۲۰۰۹) به بررسی اثر نهادها بر فقر می‌پردازند، هدف اصلی مقاله آن‌ها برجسته کردن اهمیت حیاتی نهادهای خوب بر سطوح فقر هست. نتایج تجربی مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که کیفیت نهادی اثر مثبت و قوی روی کاهش فقر دارد و این‌گونه استدلال می‌کنند که رشد درآمد برای کاهش فقر لازم است ولی کافی نیست.

گوهو و سوماره^{۱۶} (۲۰۱۱) اثر FDI را روی کاهش فقر در بین کشورهای آفریقایی به صورت منطقه‌ای بررسی می‌کنند. این مطالعه در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ در بین پنج منطقه از قاره آفریقا با استفاده از جریان خالص FDI سرانه و شاخص HDI (به‌عنوان شاخص کاهش فقر و بهبود رفاه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از یک رابطه مثبت و قوی میان FDI و کاهش فقر در آفریقا است و هم‌چنین نشان می‌دهد که تأثیر FDI بر کشور-های فقیر بیشتر از کشورهای ثروتمند هست.

مطالعات داخلی

حسینی و مولایی (۱۳۸۵) در مطالعه خود به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) روی رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های سری زمانی برای ۱۳۸۱-۱۳۵۷ در قالب سه

الگوی اقتصادسنجی می‌پردازند. در الگوی اول متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه انسانی و درصد باز بودن اقتصاد، در الگوی دوم به ترتیب اثر توأم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه انسانی و تجارت خارجی و در الگوی سوم اثر تورم، مالیات و مخارج دولت به‌عنوان شاخص‌هایی از ساختار اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی روی رشد اقتصادی دارد و هم‌چنین سرمایه انسانی اثر آن را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، افزایش نرخ تورم، مالیات و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در ایران آثار منفی دارند.

آذربایجانی و دیگران (۱۳۸۸) در مطالعه خود به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت بر رشد اقتصادی کشور ایران می‌پردازند. مقاله از یک تابع تولید کل تعمیم-یافته (APF) مدل رشد استفاده می‌کند و روش هم‌جمعی، رویکرد ARDL برای بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها به کار گرفته شده است و نیز ضرایب مربوط به مدل‌های بلندمدت و تصحیح خطا در رابطه با رشد اقتصادی برای دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۴ برآورد گردیده‌اند. نتایج نشان‌دهنده آن بوده است که متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها در کوتاه‌مدت بر روی رشد اثرگذار است که این اثر، منفی است. هم‌چنین متغیر تجارت، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت اثر معنادار و مثبتی را بر روی رشد اقتصادی ایران داشته است. متغیرهای سرمایه و نیروی کار نیز عواملی بسیار مهم برای رشد اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت ایران به شمار می‌آیند.

مهدوی و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه خود تأثیر بازار مالی را در تأثیرگذاری سرمایه-گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی بررسی کرده‌اند. در این مطالعه با استفاده از داده‌های تلفیقی ۵۷ کشور طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ نشان می‌دهند که در کشورهای توسعه‌یافته به

لحاظ بازار مالی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است ولی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته معنادار نیست.

روش‌شناسی تحقیق

در این مطالعه اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و کیفیت نهادی بر کاهش فقر در کشورهای حوزه‌ی مناطقی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد. مدل مورد استفاده در این مطالعه بر اساس مبانی نظری و مطالعه‌ی گوهو و سوماره (۲۰۱۱) به صورت زیر تصریح شده است:

$$HDI = \alpha + \beta_1 FDI_{it} + \beta_2 Kafman_{it} + \beta_3 CL_{it} + \beta_4 Credit_{it} + \varepsilon_{it}$$

به طوری که:

HDI_{it} : شاخص توسعه‌ی انسانی در کشور i ام در زمان t

FDI_{it} : سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور i ام در زمان t

$Kafman_{it}$: شاخص کیفیت نهادی در کشور i ام در زمان t

CL_{it} : شاخص آزادی مدنی در کشور i ام در زمان t

$Credit_{it}$: اعتبارات داخلی تخصیص یافته به بخش خصوصی.

برای تخمین مدل مذکور از روش داده‌های پانلی با اثرات تصادفی^۶ استفاده شده است.

شاخص‌های فقر معیارهایی برای اندازه‌گیری جامع از رفاه یک کشور هستند؛ و معمولاً برای تعیین حداقل استاندارد مورد نیاز یک زندگی مناسب به کار می‌روند. از آنجاکه این شاخص‌ها به صورت سالانه برای همه کشورهای ثبت نشده‌اند و هم‌چنین با توجه به این که این مطالعه به صورت بین‌کشوری است، نمی‌توان از یک خط فقر مشترک در بین این کشورها استفاده کرد. شایان ذکر است با وجود خط فقری که بانک جهانی با مقدار یک دلار در روز برای هر فرد تعیین کرده است نمی‌توان فقر را به طور کارآمد در بین کشورها بررسی کرد. چون در چندین مطالعه از جمله مطالعه‌ی گوهو و سوماره و هم‌چنین ریورا از شاخص HDI به عنوان

شاخص فقر استفاده شده است، بنابراین در مطالعه حاضر نیز از شاخص HDI به عنوان شاخص فقر استفاده می‌کنیم. HDI شاخص مرکبی است که به طور متوسط سه جنبه اساسی توسعه انسانی (بهداشت، دانش و استاندارد زندگی) را شامل می‌شود. بهداشت و درمان با معیار امید به زندگی در زمان تولد، دانش به وسیله ترکیبی از نرخ باسوادی بزرگسالان، ابتدائی و متوسطه و نرخ ثبت نام ناخالص اندازه گیری می‌شود و استاندارد زندگی به وسیله GDP سرانه اندازه گیری می‌شود. شاخص HDI از گزارش توسعه انسانی UNDP اخذ شده است. FDI به وسیله جریان خالص سرمایه گذاری مستقیم خارجی که شامل مجموع حقوق صاحبان سهام، سرمایه گذاری مجدد در آمد، سرمایه بلندمدت و کوتاه مدت که در تراز پرداختها نشان داده می‌شود، قابل اندازه گیری است. FDI شامل سه متغیر می‌شود: ۱. سرمایه گذاری مستقیم خارجی سرانه که از نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر کل جمعیت کشور حاصل می‌شود ۲. نسبت سرمایه گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی (GDP) ۳. نسبت سرمایه گذاری خارجی به تشکیل سرمایه ناخالص. در این مطالعه از مورد اول استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به این شاخص از پایگاه داده‌ای بانک جهانی^{۱۷} به صورت آنلاین اخذ شده است.

Kufman شاخص مربوط به کیفیت نهادی است که توسط کافمن و همکارانش برای

سال‌های متعدد محاسبه و منتشر می‌شود. این شاخص شامل موارد زیر است:

الف) حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی^{۱۸}: این شاخص آزادی‌های حقوقی، مدنی و سیاسی را اندازه می‌گیرد. مثلاً «میزان سهم بودن مردم در انتخاب دولت».

ب) ثبات سیاسی^{۱۹}: می‌توان میزان وقوع انقلاب و کودتاها را اتفاق افتاده در یک کشور را به عنوان عاملی برای نشان دادن ثبات یا عدم ثبات سیاسی استفاده کرد.

ج) اثربخشی دولت^{۲۰}: توانایی دولت در تنظیم و اجرای سیاست‌های درست را نشان می‌دهد.

د) قانونمندی^{۲۱}: میزان توانمندی دولت را در اجرای قوانین و حمایت از حقوق مالکیت نشان می‌دهد.

ه) کنترل فساد^{۲۲}: به کار بردن منافع ملی برای نفع شخصی را اندازه‌گیری می‌کند. (نویده محمد لو، ۱۳۸۸).

در این مطالعه شاخص انتخابی برای متغیر کیفیت نهادی شاخص قانونمندی است. این شاخص از WGI2009^{۲۳} اخذ شده است.

متغیرهای کنترل مورد استفاده به شرح زیر است:

۱. شاخص توسعه بازار مالی

- نسبت کل اعتبار تخصیص یافته به بخش خصوصی به GDP.

- نسبت سرمایه تخصیص یافته به بازار سهام به GDP.

۲. متغیرهای ریسک سیاسی

- رتبه حقوق سیاسی که میزان آزادی‌های سیاسی را اندازه‌گیری می‌کند.

- آزادی‌های مدنی که وسعت آزادی‌های مدنی را اندازه‌گیری می‌کند.

در این مطالعه نسبت کل اعتبار تخصیص یافته به بخش خصوصی به GDP، (Credit)

به عنوان شاخص توسعه بازار مالی و آزادی‌های مدنی^{۲۴} (CL)، به عنوان متغیرهای ریسک

سیاستی استفاده شده است که در ذیل به طور خلاصه به هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم:

متغیرهای آزادی مدنی (CL) کشورها را از لحاظ برخورداری از آزادی مدنی رتبه‌بندی

می‌کند. این شاخص توسط خانه آزادی^{۲۵} برآورد می‌شود. رتبه‌بندی این شاخص از یکتا هفت

هست، به طوری که کشور با آزادی کامل دارای رتبه یک و کشور با حداقل آزادی دارای رتبه

هفت هست. این شاخص نیز از خانه آزادی اخذ شده است.

اعتبارات اختصاص یافته به بخش خصوصی (Credit) میزان اعتبارات تخصیص یافته توسط دولت به بخش خصوصی است. این شاخص از World Bank Group اخذ شده است. نمونه مورد بررسی شامل داده‌های ده‌ساله در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ برای کشور-های حوزه منا^{۲۶} هست. از نرم‌افزار STATA11 برای تخمین استفاده شده است.

روش تخمین در داده‌های تابلویی

قبل از ورود به بحث تخمین و تجزیه و تحلیل مدل، لازم است در ابتدا این مسئله که چرا مطالعه حاضر به صورت داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار می‌گیرد، روشن گردد. به عبارت دیگر، آیا کشورهای مورد بررسی همگن هستند یا خیر؟ در صورتی که کشورها همگن باشند می‌توان از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده کرد و در غیر این صورت، روش داده‌های پانلی به صورت اثرات ثابت یا اثرات تصادفی به کار گرفته خواهد شد. به عبارت دیگر قبل از هرگونه تخمین لازم است با استفاده از آماره آزمون F همگنی کشورها مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$Y_i = Z_i\delta + U_i \text{ مدل مقید..}$$

$$Y_i = Z_i\delta_i + U_i \text{ مدل غیر مقید..}$$

$$i = 1, 2, \dots, N$$

آماره آزمون جهت آزمون فرضیه به صورت زیر است:

$$F(N-1, NT-N-K) = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2)/(N-1)}{(1 - R_{UR}^2)/(NT-N-K)}$$

که در آن، N تعداد واحدهای مقطعی، K تعداد متغیرهای توضیحی، T تعداد مشاهدات در طول زمان است. رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی هست (Greene, 2002, 289).

روش داده‌های تابلویی مشتمل بر سه نوع تخمین شامل تخمین بین گروهی^{۲۷}، تخمین‌های درون گروهی^{۲۸} (اثرات ثابت) و تخمین‌های اثرات تصادفی^{۲۹} است. در تخمین بین گروهی رگرسیون روی میانگین‌هاست و معمولاً برای تخمین ضرایب بلندمدت از آن استفاده می‌شود. در تخمین‌های درون گروهی بعد زمان در نظر گرفته نمی‌شود و تنها اثراتی که مختص هر یک از واحدهاست به‌عنوان اثرات انفرادی منظور می‌گردد. در تخمین‌های اثرات تصادفی فرض می‌شود که عرض از مبدأ (α_i) دارای توزیع مشترکی با میانگین α و واریانس σ^2 هست و برخلاف روش قبلی، با متغیرهای توضیحی مدل نا همبسته‌اند. در این روش عامل زمان منظور می‌شود و اثرات انفرادی واحدها در طول زمان به‌طور جداگانه به‌عنوان متغیرهای توضیحی وارد مدل می‌گردند (Egger 2000).

هم‌چنین برای تصمیم‌گیری در مورد به کار بردن اثرات ثابت یا اثرات تصادفی باید توجه داشت که روش اثرات ثابت معمولاً هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود، در صورتی که اگر از بین جامعه بزرگی، نمونه‌هایی به‌صورت تصادفی انتخاب شود، روش اثرات تصادفی کارا تر خواهد بود.

برای آزمون وجود اثرات تصادفی از آماره بروس - پاگان استفاده می‌شود که به‌صورت

زیر تعریف می‌شود:

$$LM = \frac{NT}{2(T-1)} \cdot \left[\frac{\sum_{i=1}^N (\sum_{t=1}^T e_{it})^2}{\sum_{i=1}^N \sum_{t=1}^T e_{it}^2} \right] - 1 \sim \chi^2$$

فرضیه صفر این آزمون $H_0: \sigma_U^2 = 0$ هست به عبارت دیگر فرضیه صفر به این معنی است که

اثرات تصادفی وجود ندارد برای این آزمون از آماره LM که دارای توزیع کای دو با درجه

آزادی یک هست استفاده می‌شود (محمدزاده و دیگران، ۱۳۸۹).

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

قبل از تخمین مدل باید همگن یا ناهمگن بودن مقاطع مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به نتایج جدول شماره ۱، فرضیه صفر مبنی بر همگن بودن مقاطع رد می‌شود؛ بنابراین باید از روش داده‌های پانلی استفاده شود

جدول شماره ۱. نتایج آزمون F

ارزش احتمال	مقداره آماره آزمون	آماره به کار گرفته شده
Prob>F=0.000	F (12,107) =164.95	F آماره

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در قدم بعدی ثابت یا تصادفی بودن مدل را تست می‌کنیم که نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون پرورش پاگان

ارزش احتمال	مقداره آماره آزمون	آماره به کار گرفته شده
Prob>chi2 =0.000	Chi2=354.28	آماره به روش پاگان

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج آزمون نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی در داده‌ها رد می‌شود پس از روش GLS برای تخمین مدل استفاده می‌کنیم. در ادامه به تخمین مدل با در نظر گرفتن اثرات تصادفی پرداخته می‌شود که نتایج به دست آمده در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳. نتایج حاصل از تخمین با استفاده از روش تصادفی.

متغیر	ضرایب	آماره Z	Prob>Z
Cons	۰/۶۴	۱۸/۷۰	۰/۰۰۰
FDI_{it}	۵/۰۹-۰۰۶	۱/۷۷	۰/۰۶۶
$Kafman_{it}$	۰/۰۲۸	۲/۲۰	۰/۰۲۸
$Credit_{it}$	۰/۰۰۱	۴/۵۴	۰/۰۰۰
CL_{it}	-۰/۰۰۷	-۱/۶۶	۰/۰۹۸
$R^2 = .51$ no. obs = 124			

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بدون تغییر و معناداری ضرایب هم‌چنان به قوت خود باقی است، از این رو استحکام نتایج تجربی تحقیق حاصل می‌شود.

با توجه به نتایج جدول شماره ۳، اثر مثبتی روی کاهش فقر دارد که این نتیجه هم‌سو با نتایج گوهو و سوماره (۲۰۱۱) است. در تبیین این پدیده می‌توان گفت که جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌هایی که بیشتر تولیدی هستند از طریق پیشرفت فناوری باعث ایجاد اشتغال و توسعه مهارت شده است. این موضوع به نوبه خود موجب کاهش فقر و بهبود رفاه در یک کشور می‌شود.

هم‌چنین، نتایج مطالعه نشان می‌دهد داشتن کیفیت نهادی بالا و افزایش قانونمندی در یک کشور باعث کاهش فقر و بهبود رفاه می‌شود. این نتیجه هم‌سو با نتایج ریورا (۲۰۰۹) هست. در تبیین این پدیده می‌توان گفت که هرچه ثبات سیاسی در یک کشور بالا باشد به علت افزایش امنیت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن کشور افزایش یافته و این موجب افزایش سطح درآمد متوسط جامعه می‌شود.

متغیرهای آزادی مدنی و اعتبار تخصیص یافته به بخش خصوصی اثرات مثبتی روی کاهش فقر دارند (البته متذکر می‌شویم که شاخص آزادی مدنی به صورت معکوس تعریف شده است به طوری که درجه بالاتر را به کشورهایی اختصاص می‌دهد که آزادی مدنی در آن‌ها کمتر است). اثر کاهشی آزادی مدنی بر روی فقر هم‌سو با نتایج فنگ (۱۹۹۷) و مارتین لپیست (۱۹۵۹) هست. در تبیین این پدیده می‌توان گفت که موکراسی به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی تأثیر گذاشته و موجب افزایش رفاه در یک جامعه می‌شود. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که هرچه میزان اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی بیشتر باشد تأثیر مثبتی بر روی کاهش فقر دارد؛ و آن را می‌توان از این جنبه توجیه کرد که افزایش اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی موجب افزایش توان سرمایه‌گذاری

این بخش در بخش‌های تولیدی می‌شود و این نیز موجب افزایش درآمد متوسط جامعه و در نهایت کاهش فقر در جامعه می‌شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در اکثر کشورهای در حال توسعه فقر هنوز یک معضل بزرگ به شمار می‌رود. برنامه‌ریزی صحیح و تلاش‌های همگانی لازم است تا فقر ریشه کن شود. کشورها برای این کار نیازمند سرمایه لازم برای ایجاد اشتغال و هم‌چنین آموزش نیروی کار (به منظور افزایش کارایی در تولید و خودکفایی و بهبود سرمایه انسانی) و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید و آموزش و پرورش و بهبود بهداشت می‌باشند. در اغلب این کشورها توانایی سرمایه‌گذاری کم است، لذا نیاز مبرم به جذب سرمایه خارجی وجود دارد.

در این مطالعه به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی بر کاهش فقر پرداختیم. کشورهای مورد بررسی شامل ۲۱ کشور حوزه‌ی منا در فاصله‌ی زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ می‌باشند. از روش داده‌های پانلی تصادفی برای تخمین مدل استفاده شد. علت به کارگیری این روش از بین بردن ناهمسانی واریانس در مدل است. به علت نبود شاخص بین‌کشوری مناسب برای فقر از شاخص جایگزین توسعه انسانی به عنوان شاخص کاهش فقر استفاده نموده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به صورت سرانه در نظر گرفته‌ایم. یافته‌های تجربی تحقیق حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کیفیت نهادی مناسب و افزایش قانون-مندی اثر مثبت و معناداری روی کاهش فقر دارد. در کنار این متغیرها متغیرهای آزادی مدنی و اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی نیز اثر مثبت و معناداری در کاهش فقر دارند. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌ویژه در بخش‌های تولیدی موجب اشتغال و افزایش سطح درآمد متوسط می‌شود. اگر ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد بر میزان سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی افزوده می‌شود که آن نیز به نوبه خود باعث کاهش فقر می‌شود. از این رو

توصیه مهم سیاستی تحقیق برای کشورهای مورد مطالعه از جمله کشورمان این است که برای کاهش فقر علاوه بر تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بایستی به عامل کیفیت سازمانی مناسب هم توجه کرد، این عامل در کنار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در کاهش فقر مؤثر باشد.

یادداشت‌ها

1. Rivera et al
 2. Less Developed Countries
 3. Foreign Direct Investment (FDI)
 4. United Nations Conference on Trade and Development
 5. Sumner
 6. North
 7. Martin Lipsets
 8. Feng
 9. Chong and Calderon
 10. Alfaro
 11. Carkovic and Levin
 12. Chowdhary and Mavrotas
 13. Hansen and Rand
 14. Apergis et al
 15. Gohou and Soumare
 16. Random Effect
 17. World Databank
 18. Voice and Accountability
 19. Political Stability
 20. Government Effectiveness
 21. Property Right and Rule of Law
 22. Control of Corruption
 23. World Wide Governance Indicator 2009
 24. Civil liberties
 25. Freedom House
۲۶. شامل کشورهای الجزایر، بحرین، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مالتا، مارکو، عمان، قطر، عربستان سعودی، تونس، امارات متحده عربی، غزه و یمن است.
27. Between Groups
 28. Within Groups (Fixed Effect)
 29. Random Effect
 31. The Breusch and Pagan test

منابع و مآخذ

آذربایجانی کریم، شهیدی، آمنه، محمدی، فرزانه. (۱۳۸۸). «بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و رشد در چارچوب یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)». پژوهش‌های اقتصادی، تابستان، سال نهم، ش ۲.

- جفره، منوچهر، صفار، راحله. (۱۳۹۰). «روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۲۸۳.
- حسینی، سید صفدر، مولایی، مرتضی. (۱۳۸۵). «تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*، تابستان، سال ششم، ش ۲.
- رحمانی، فریده. (۱۳۷۹). «جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۷ و ۸.
- محمد لو، نویده. (۱۳۸۸). «بررسی نقش کیفیت نهادی بر رابطه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی در اقتصادهای نفتی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، تبریز.
- مهدوی، روح‌الله، جهانگرد، اسفندیار و ختائی، محمود. (۱۳۸۹). «تأثیر توسعه بازار مالی در تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان با استفاده از روش داده‌های تابلویی». *فصل‌نامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ش ۲.
- مناف نژاد، پریسا. (۱۳۸۴). «تجزیه و تحلیل اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه (میزبان) طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰». *گزیده مطالب آماری*، ش ۶۴.
- نفری، اکبر. (۱۳۷۲). «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های چندملیتی آمریکا». *اقتصاد و مدیریت*، ش ۱۸ و ۱۹.
- Alfaro, L. (2003). Foreign direct investment and growth: Does the sector matter? *Working Paper*, Harvard Business School.
- Apergis, N. et al (2008). The relationship between foreign direct investment and economic growth: Evidence from transitional countries, *Transition Studies Review*, 15 (1), 37-51.
- Chang, A., Calderon, C. (2000). Institutional quality and poverty measures in a cross-section of countries, *Economics of Governance*, 1: 123-135.
- Chowdhury, A., Mavrotas, G. (2006). FDI and growth: What causes what? *The World Economy*, 29 (1), 9-19.
- Carkovic, M., Levine, R. (2005). Does foreign direct investment accelerate economic growth? In T.H. Moran, E.M. Graham, M. Blomstrom (Eds), does foreign direct investment promote development, *Institute for International Economics*, Washington DC, 195-220.
- Dahl, R.A. (1989). *Democracy and its Critics*. New haven, CT: Yale University Press.
- Egger, P. (2000). A note on the proper econometric specification of the gravity equation, *Economic letter*, 66, 25-31.

- Feng, Y. (1997). Democracy, Political stability and economic growth. (C.U.Press, Ed.) *British Journal of Political Science*, 27.
- Gohou, G. Soumare, I. (2011). Does foreign direct investment reduce poverty in Africa and are there regional differences? *World Development*, xx, (x), xxx-xxx
- Greene, W. (2004). *Econometric Analysis*, Macmillan publishing company, New York University.
- Hansen, H. Rand, J. (2006). On the causal links between FDI and Growth in developing countries. *The World Economy*, 29 (1), 21-41.
- Holmberg, S., Rothstein, B. (2010). Quality of government is needed to reduce poverty and economic inequality, *QoG Working Paper Series*, 3, 3.
- Lipset, S.M. (1959). Some social requisites of democracy: Economic development and political legitimacy. *The American Political Science Review*, 53 (1).
- North, D., et al. (2009). Violence and social orders: a conceptual framework for interpreting recorded human history. *Cambridge University Press*.
- Rivera, H.D., et al (2009). Poverty and institutional quality in a cross-section of countries, *Georgia State University*.
- Sumner, A. (2005). Is foreign direct investment good for the poor? A review and stock take, *Development in Practice*, 15 (3/4), 269-285.
- United nations conference on trade and development, UNCTAD (1996). *World Investment Report*, 195.
- World Bank. Chapter 8: Understanding the determinants of poverty. In e.a. shahid khandker, poverty manual. Washington, district of Columbia: World Bank. Report.
- UNDP. (2010). Human development <http://hdr.undp.org/en/statistics>.
- WDI. (2011). World development indicators 2011, <http://databank.worldbank.org>.
- WGI. (2009). The worldwide governance indicators 1996-2009, www.govindicators.org.